


**۲۸** انگیزش فقط یک موضوع مربوط به کلاس یا معلم نیست، بلکه موضوعی مدرسه‌ای و مدیریتی هم محسوب می‌شود. این کارکرد انگیزش از دو زاویه حائز اهمیت است:

**اول**، روش‌های انگیزشی مدرسه؛  
**دوم**، میزان هماهنگی روش‌های انگیزشی مدرسه با معلمان و والدین.  
بنابراین ضروری به نظر می‌رسد که برای این موارد وقت بیشتری در مدرسه صرف شود.

**۲۹** اگرچه انتظار می‌رود، انگیزش کارکردهای مثبتی در کلاس و مدرسه داشته باشد، اما نباید از کارکردهای منفی آن نیز غافل بود. بسیار دیده می‌شود که مدرسه یا معلم روش‌های انگیزشی خاصی را با تصور اثربخش بودن آن‌ها اعمال می‌کنند؛ اما واقعیت به گونه‌ی دیگری است. استفاده از انواع کارت‌های تشویقی، مصداقی برای این موضوع است. این نوع کارت‌ها به ظاهر می‌توانند مفید باشند، اما کارکردهای منفی هم دارند. بنابراین هر نوع سیاست تشویقی یا تنبیهی که در مدرسه اعمال می‌شود، قبل از اجرا باید به درستی آسیب‌شناسی شود و فرصت‌ها و تهدیدها، و محاسن و معایب آن تبیین شود.  
**۳۰** بخش مهمی از کارکردهای انگیزشی به خانواده و والدین مربوط می‌شود. هر دانش‌آموز با سابقه‌ی انگیزشی خاص خود وارد مدرسه می‌شود و مدرسه و معلمان نمی‌توانند این سابقه را نادیده بگیرند. توجه به تفاوت‌های انگیزشی دانش‌آموزان، کاربرد روش‌های مدرسه یا معلم را اثربخش‌تر خواهد کرد. از این‌رو، هماهنگی مدرسه با خانواده‌ها در روش‌های تشویقی و تنبیهی اعمال شده، مؤثر خواهد بود. 

### مبانی تشویق و تنبیه، زیر چتر انگیزش

**۳۱** از لحاظ تربیتی، انگیزش هم هدف است و هم وسیله. به عنوان هدف، ما از دانش‌آموزان می‌خواهیم نسبت به موضوع‌های گوناگون درسی و اجتماعی علاقه نشان دهند. به عنوان وسیله، انگیزش به صورت آمادگی

روانی، یک پیش‌نیاز یادگیری شمرده می‌شود.

**۳۲** در مورد مبانی انگیزش، رویکردهای متفاوتی وجود دارد که برگرفته از مکاتب علمی، فکری و مذهبی است. این رویکردها و دیدگاه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در کاربردها دارند. هر رویکرد بر مبنای خاستگاه فلسفی و روان‌شناختی خود، کاربردهای خاصی را ارائه می‌دهد. اگرچه انتظار نمی‌رود معلمان و والدین صرفاً تابع رویکرد خاصی باشند، اما آشنایی (حتی نسبی) با مبانی رویکرد، آن‌ها را در استفاده‌ی صحیح از کاربردها یاری خواهد داد. تمرکز صرف بر روش‌ها بدون آشنایی با مبانی آن‌ها، باعث کاربردهای نادرست یا ناقص می‌شود.

**۳۳** رویکرد رفتارگرایی، انگیزش را وابسته به کسب تقویت و اجتناب از تنبیه می‌داند. در این رویکرد، مشوق‌ها منبع انگیزشی دانش‌آموزان به حساب می‌آیند. استفاده از نمره، جایزه، کارت تشویقی، رتبه‌بندی، رقابت، سرزنش و توبیخ، نمونه‌هایی از ابزارهای رایج در رویکرد رفتارگرایی هستند. این رویکرد مبتنی بر انگیزش بیرونی است.

**۳۴** رویکرد رفتارگرایی در تشویق و تنبیه و فعالیت‌های انگیزشی بین مدارس و معلمان ما رواج فراوانی دارد. اما به همان نسبت که این رویکرد رایج است، به همان اندازه مبانی آن مورد غفلت قرار می‌گیرد. به همین دلیل، بسیاری از روش‌های مبتنی بر رفتارگرایی به صورت نادرست یا معیوب به کار گرفته می‌شوند. مدارس و معلمان که از کارت‌های تشویقی، غرفه یا ویتترین جوایز و امتیازدهی به رفتارها استفاده می‌کنند، باید با روش‌های ایجاد، تقویت و حفظ رفتار آشنا شوند. در غیر این صورت، این فعالیت‌ها صرفاً در سطح باقی خواهند ماند و در درازمدت اثرات تشویقی خود را از دست خواهند داد.

**۳۵** به‌طور معمول، مدارس و معلمان با روش‌های انگیزش بیرونی - و نه مبانی آن - بیشتر آشنا هستند. چرا ادراک انگیزش بیرونی آسان است؟ زیرا نتایج آن واضح و ملموس است، در حالی که ادراک انگیزش درونی چندان ملموس نیست. شاید یکی از دلایل توجه به انگیزش بیرونی همین موضوع باشد. اما به نظر می‌رسد که معلمان و مدارس با اصلاح رویه‌های رایج، باید جهت‌گیری خود



را به سمت انگیزش درونی تغییر دهند. بدیهی است که تجدیدنظر در این گونه باورها به سرعت انجام نمی‌پذیرد. بسیاری از روش‌های تشویق و تنبیه جاری و ساری در مدارس، صرفاً توجه به انگیزش بیرونی است و در همین حد هم باقی می‌مانند.

**۳۶** در رویکردهای شناختی و انسان‌گرایی، انگیزش درونی بیشتر از انگیزش درونی مورد تأکید قرار می‌گیرد. یکی از راهکارهای مناسب مدارس و معلمان برای تغییر جهت از انگیزش بیرونی به انگیزش درونی، رجوع به مبانی رویکردهای اشاره شده است. با طرح نظریه‌های یادگیری سازنده‌گرایی، انگیزش درونی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. در این رویکرد، بر نقش فعال یادگیرنده در درک و فهم و ساختن دانش تأکید می‌شود. پیروان نظریه‌ی سازنده‌گرایی بیش از دیگران بر فعالیت یادگیرندگان در فرایند یادگیری تأکید می‌ورزند و خود آنان را عامل اصلی ادراک امور و کشف و ساختن دانش می‌دانند. برای معلم هم نقش هدایتگری فعالیت‌های یادگیرنده و آسان‌سازی یادگیری را قائل‌اند.

**۳۷** یکی دیگر از دلایل غفلت از مبانی، رواج الگوهای تقلیدی در مدارس است. بسیاری از ابزارها و روش‌های انگیزشی امروزی که در مدارس رایج شده‌اند، حاصل تقلیدهای کلیشه‌ای و بدون درک درست مبانی هستند. هنوز هم تقلید و کپی‌برداری در برنامه‌های آموزشی و از جمله در روش‌های انگیزشی، موضوعی گسترده در مدارس ماست. این که یک روش تشویقی در مدرسه‌ای جواب داده است، الزاماً نباید در مدرسه‌ی ما هم جواب بدهد. در اجرای روش‌های انگیزشی، از جمله تشویق و تنبیه، توجه به مقتضیات فرهنگی و شرایط و ویژگی‌های محیطی و محلی، از شروط اصلی است.

**۳۸** تطبیق روش‌های رایج انگیزشی در مدارس با آموزه‌های دینی، نکته‌های بسیار تأمل‌برانگیزی در پی دارد. در حالی که این آموزه‌ها، انگیزش درونی را بیشتر مورد تأیید قرار می‌دهند، به نظر می‌رسد مدارس به شکل دیگری عمل می‌کنند. ارزیابی مجموع وضعیت مدارس در زمینه‌ی انگیزش، ضرورت‌های بیشتری را برای

بازنگری به اثبات می‌رساند. آموزه‌های دینی ما، بیشتر بر درونی شدن و عمق بخشیدن به باورهای انسان تأکید می‌کنند، در حالی که تأکید خیلی از شیوه‌های انگیزشی رایج در مدارس، نگاه داشتن دانش‌آموزان در سطح و «تنزل از دل به دست» است.

**۳۹** همانند همه‌ی موضوعات انسانی، در انگیزش نیز تفاوت‌های فردی وجود دارد. این تفاوت‌ها را می‌توان از فردی به فرد دیگر، از مدرسه‌ای به مدرسه‌ی دیگر و از شهری به شهر دیگر مورد توجه قرار داد. در این جا هم آفت‌های الگوهای تقلیدی بیشتر به چشم می‌آیند. لازم است انگیزش متناسب با ویژگی‌های فرد یا افراد باشد تا اثربخش و مفید واقع شود.

**۴۰** جهت‌گیری به سمت انگیزش درونی، به معنای کنار گذاشتن انگیزش بیرونی نیست. اگر از انگیزش درونی هم به اندازه و به‌جا استفاده شود، مؤثر خواهد بود. در موارد زیادی کاربرد انگیزش بیرونی اجتناب‌ناپذیر است، اما در مورد آن دو نکته حائز اهمیت است:

**اول**، از اثرات انگیزش بیرونی هم می‌توان در جهت انگیزش درونی استفاده کرد. حتی وقتی به دانش‌آموز جایزه‌ای می‌دهید، یادآوری کنید که این نتیجه‌ی تلاش و شایستگی اوست.

**دوم**، انگیزش درونی باید محور برنامه‌ها و روش‌های انگیزشی باشد. اگر مهم آن است که دانش‌آموزان به خودسامانی و خودکنترلی برسند، این هدف از مسیر انگیزش درونی تحقق می‌یابد. ✓

## انگیزش، تشویق و تنبیه، و تربیت دینی

**۴۱** در تعریف تربیت بر مبنای دین، همیشه بر غنای درون و رشد استعدادها تأکید می‌شود. هدف تربیت دینی، برانگیختن شوق و رغبت به خداپرستی و بی‌بردن به کارکرد لذت‌بخش دین است. این نکته‌ای است که باید شرط اصلی تمامی فعالیت‌های تشویقی-تنبیهی در